



تبیین سیاست‌های مذهبی و هنری در جغرافیای متصرفات ایوبیان

(۶۴۸-۵۶۷ ق/۱۱۷۲-۱۲۵۳ م)

مه‌ری خوش‌چهره^۱، بشری دل‌ریش^{۲*} ID، شهربانو دل‌بری^۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران. khoshchehre1@gmail.com

۲ استادیار، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. bidelrish454@gmail.com

۳ استادیار، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

ظهور دولت ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸ ق/۱۱۷۲-۱۲۵۳ م) در زمانی واقع شد که از یک طرف خلفای عباسی در واپسین سال‌های حیات خود به سر برده و از اداره سرزمین‌های اسلامی ناتوان بودند؛ از طرف دیگر حملات مهاجمان مغول از شرق و صلیبیان از غرب جهان اسلام نیز به این ناتوانی دامن می‌زد، لذا تلاش صلاح‌الدین در جهت برقراری ثبات نسبی در مصر و شام با احیا و تثبیت مذهب تسنن و به‌ویژه بازپس‌گیری بیت‌المقدس، دورنمای جدیدی را در قلمرو جهان اسلام ترسیم نمود. به علت ناهماهنگی هنر و سیاست در این دوره هیچ سبک واحدی برای هنری چون نگارگری خلق نشد. از جمله نسخه‌های مصور باقی‌مانده از دوره ایوبیان نسخه‌ای از کلیله و دمنه، مقامات حریری و کتاب مختارالحکم و محاسن الکلم است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان می‌دهد که دولت ایوبیان انتقام از فاطمیان اسماعیلی را بر همه شیعیان تعمیم داده و مذاهب چهارگانه اهل سنت را در مصر به‌صورت کاملاً افراطی تبلیغ می‌نمودند که همین امر از یک‌طرف منجر به مهاجرت شیعیان به جنوب مصر، شام، یمن، ایران و هند تقیه نمودن و یا هضم شدن در گروه‌های دیگر به‌مانند صوفیان می‌شد و از طرف دیگر مذاهب چهارگانه اهل سنت هم تقویت می‌شد.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی سیاست‌های مذهبی و هنری ایوبیان.

۲. واکاوی تحولات مذهبی و هنری در دوره حاکمیت ایوبیان.

سؤالات پژوهش:

۱. در زمان حاکمیت دولت ایوبی گستره جغرافیای مذهبی و هنری دستخوش چه تغییراتی بوده است؟

۲. سیاست‌های مذهبی و هنری سلاطین ایوبی چه عللی داشت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۱۰۳ الی ۱۱۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

ایوبیان،

تشیع،

مذاهب چهارگانه اهل سنت،

سیاست‌های مذهبی و هنری.

ارجاع به این مقاله

خوش‌چهره، مه‌ری، دل‌ریش، بشری،

دل‌بری، شهربانو. (۱۴۰۰). تبیین سیاست

های مذهبی و هنری در جغرافیای

متصرفات ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸ ق/۱۱۷۲-

۱۲۵۳ م). هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۱۰۳-

۱۱۷.



[dori.net/dor/20.1001.1
.1735708.1400.18.42.78](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.78)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.24395.1309](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.24395.1309)

مقدمه

استقرار و استمرار خلافت فاطمیان (۳۶۳ ق/ ۹۷۳ م- ۵۷۶ ق/ ۱۱۸۶ م) یکی از مهم‌ترین دوره‌های تمدن اسلامی را رقم زد. دولت فاطمیان نخستین خلافت مستقلی بود که در عرض خلافت عباسی شکل گرفت و از اطاعت خلافت عباسی سرباز زد. دوره دولت فاطمیان مقارن با ظهور و حضور ائمه اسماعیلی در رأس یک قدرت سیاسی بود. این دولت توانست در مسیر حرکت خود، مخالفان اعتقادی خویش یعنی قرامطه را مضمحل سازد و خود به‌تنهایی پرچم‌دار دیدگاه رسمی اسماعیلیان باشد. این دولت در طول دو‌یست سال با عباسیان، آل بویه و سلجوقیان در تعارض و جنگ بود و در پایان نیز با صلیبیان مسیحی روبه‌رو شد. درباره دولت خلفای فاطمی اختلاف‌نظرهای بسیاری وجود دارد و دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است. مخالفان فاطمیان درباره نسب عبدالله مهدی تردیدهایی را مطرح کرده و انتساب وی را به اهل بیت نادرست دانسته‌اند. تاریخ‌نگاران در زشت جلوه‌دادن چهره فاطمیان، به جهت شیعی بودن آنان، هم‌صدا بوده‌اند. این مطلب در نوشته‌های تاریخ‌نگاران پیش از سقوط دولت فاطمی به‌روشنی نمایان است؛ زیرا در آن زمان، عباسیان آنان را به این کار تشویق و ترغیب می‌کردند، همچنان که در نوشته‌های تاریخ‌نگاران عصر ایوبی و بعد از آن نیز آشکار است. فاطمیان با وجود ترویج مذهب شیعه به دیگر مذاهب نیز به دیده احترام می‌نگریستند. جامع‌الأزهر فقط مرکز دعوت فاطمیان نبود؛ بلکه علمای شافعی و حنفی و غیره هم در آن اجتماع می‌کردند. فاطمیان در علم و حکمت تعصب به خرج نمی‌دادند و در مقابل علمای شیعه و سنی با گشاده‌رویی رفتار می‌کردند. توده‌های اهل سنت در مصر به‌هیچ‌وجه از طرف فاطمیان زیر فشار قرار نگرفتند تا مجبور به ترک مذهبشان شوند، متفاوت از آنچه دشمنان شیعه پیش‌از این انجام می‌دادند؛ بلکه این خود توده‌های مردم بودند که از روی رغبت به مذهب تشیع می‌گرویدند تا جایی که پیروان مذهب اهل سنت در اقلیت قرار گرفتند. با فروپاشی فاطمیان و ظهور ایوبیان در سال (۵۶۷-۶۴۸ ق/ ۱۱۷۲-۱۲۵۳ م) فشار بر میراث شیعی به اوج خود رسید. بررسی سیاست‌های مذهبی و هنری در دوره ایوبیان می‌تواند در خصوص درهم‌تنیدگی ابعاد سیاسی، مذهبی و هنری جامعه نکات مهمی را آشکار کند.

بررسی پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. از مهم‌ترین آثار مرتبط با این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کتاب *اهل‌الذمه فی مصر فی العصر الفاطمی الثانی و العصر الایوبی* (۱۰۴۷ ه - ۱۲۵۰ م) *سلام شافعی* که دارای پنج باب درباره اهل ذمه و وظایف ایشان، علاقه برخی از سلاطین ایوبی در به‌کارگیری اهل ذمه، حیات اجتماعی و دینی ایشان و زبان و لهجه‌های قبطی و عربی و معرفی روسای کلیساها و کنیسه‌هاست. سید ابوالحسن نواب (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با تأکید بر پیامدهای فکری و اجتماعی، به چالش‌های سیاسی و مذهبی ایوبیان و تشیع پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که ایوبیان بر توده‌های شیعی سخت گرفتند و برای نابودی کامل مذهب شیعه در این منطقه دست به اقدامات جامعی زدند. همچنین سلسله ایوبیان را در مصر بنا کردند که در اثر آن، اسماعیلیان حافظی مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و بسیاری به قتل رسیدند. در این دوران، شیعیان دوران سختی را تجربه کردند و با تحولات سیاسی و فکری مختلفی روبه‌رو شدند. کریم‌زاده سورشجانی (۱۳۹۶) در مقاله

خود به بازشناسی جریان‌های فکری اثرگذار در منطقه شامات در دوره ایوبیان تا پایان ممالیک پرداختند. مقاله حاضر کوشیده با رویکردی توصیفی تحلیلی پس از بررسی اوضاع فرهنگی و اجتماعی این منطقه در دوره ایوبیان و ممالیک، به این پرسش پاسخ دهد که جریان‌های فکری اثرگذاری که دامنه نفوذ خود را به‌عنوان میراثی تاریخی در این منطقه به یادگار گذاشته‌اند، کدام‌اند؟

۱. حکومت ایوبیان

حکومت ایوبیان با آغاز حکمرانی صلاح‌الدین ایوبی و در پی مرگ العاضد، آخرین خلیفه فاطمی، در مصر آغاز شد و با شکست توران‌شاه پسر نجم‌الدین ایوب بن الملک‌الکامل محمد، هشتمین و آخرین حکمران ایوبی، در شام از مغولان، پایان یافت. فاطمیان با وزارت صلاح‌الدین ایوبی برافتادند و پیروزی ایوبیان شافعی که به لحاظ سیاسی تابع خلافت عباسی بودند و با آنان اشتراک مذهبی نیز داشتند، مایه پیروزی عباسیان در غرب جهان اسلام شد. صلاح‌الدین در پی تسلط بر مصر، نفوذ خود را به حجاز و حرمین شریفین نیز گسترش داد. این سلسله در ابتدا نفوذ چندانی بر مکه و مدینه نداشت؛ ولی بعد از مدتی توانست بر مکه و مدینه نفوذ پیدا کند (ابن‌واصل، ۱۹۳۵: ۲۰). شیرکوه پس از دو ماه و اندی درگذشت و خلیفه فاطمی از میان همه رجال سیاسی، خلعت وزارت را بر اندام صلاح‌الدین جوان و بی‌تجربه پوشاند و او را «الملک‌الناصر» لقب داد (اتابکی، ۱۳۸۳، ۲۱۸/۱). این کار نه‌تنها اهداف وی را محقق نکرد؛ بلکه باعث ایجاد درگیری میان صلاح‌الدین، فاطمیان و همه شیعیان شد. سرانجام خلافت درازمدت فاطمیان به دست این وزیر سنی برافتاد. به این ترتیب پیروزی ایوبیان شافعی رقم خورد که به لحاظ سیاسی تابع خلافت عباسی بودند و با آنان اشتراک مذهبی نیز داشتند، صلاح‌الدین برای مشروعیت‌دادن به کارهایش، خود را به بنی‌عباس نزدیک کرد و همواره آنان را از کارهای خویش آگاه و از خلیفه تقاضای مجوز می‌کرد (صبح‌الاعشی، ۱۴۰۷ق: ۸۵/۱۳-۹۰). وی تشیع فاطمی در مصر را با یک چالش جدی روبه‌رو کرد و بار دیگر یک مبارزه تمام‌عیار در برابر این مذهب خودنمایی کرد و پرچم سیاه عباسی دوباره در مصر برافراشته شد (عبده، ۱۴۱۰ق: ۱۸۹ - ۱۹۰).

عصر ایوبی تحولی بزرگ در تاریخ اسلامی سرزمین مصر بین دو دوره فاطمی که با آرامش کشور را اداره می‌کرد و در آن مدارا و تسامح از جانب سلاطین دیده می‌شد و دوره ممالیک که تحولات بزرگی در عرصه اقتصادی و اجتماعی به وجود آمد و عدم تسامح با اقلیت‌های دینی در آن به چشم می‌خورد، به وجود آورد. صلاح‌الدین بنیان‌گذار خاندان ایوبیان به نبرد علیه صلیبیان کافر مشهور بود که شکست سهمگینی بر آن‌ها وارد کرد، همچنین از طرفی در مقابل دشمنان شکست‌خورده خود سعه صدر داشت (چاک حاسون، بی‌تا: ۳۶۸).

تشیع در مصر با حکومت فاطمیان گسترش یافت و در دوران ۲۵۰ ساله حکومت آنان همواره به‌عنوان دین رسمی این سرزمین شناخته می‌شد. با انحلال حکومت فاطمیان توسط ایوبیان و روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی، دوران جدیدی از تحولات درباره مذهب شیعه آغاز شد. سیاست‌های خشن به‌کارگرفته‌شده درباره شیعیان توسط ایوبیان، راه را برای غلبه مذاهب اهل سنت در مصر باز کرد. در ادامه، بردگان ترک‌نژادی که در دستگاه ایوبی بودند، راه اسلاف خود را

ادامه دادند. صلاح‌الدین آخرین آثار حکومت فاطمیان در مصر را از میان برداشت و یکی از مذاهب اهل سنت را جایگزین تشیع اسماعیلی کرد که مدت دو قرن در مصر رایج بود (شایسته‌فر، ۱۳۹۱: ۵۳-۷۰).

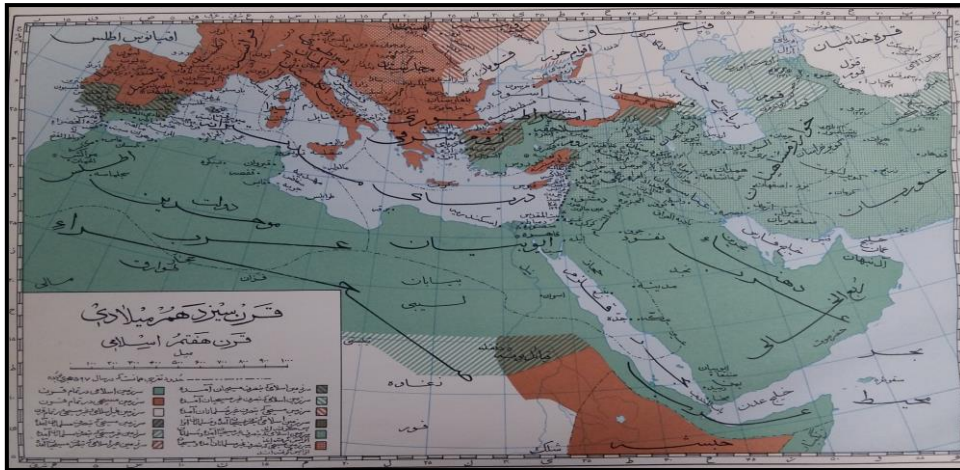
۲. گستره جغرافیای سیاسی ایوبیان (۶۴۸-۵۶۷ ق/۱۱۷۲-۱۲۵۳ م)

قلمرو ایوبیان تقریباً یکپارچگی خود از عصر صلاح‌الدین ایوبی تا پایان حکومت ملک‌العادل (۶۱۵ ه.ق-۱۲۱۸ م) که شامل مصر، شام، جزیره و یمن بود و از کانون‌های مهم تمدنی به شمار می‌رفت، از دست داد. ایوبیان علاوه بر جغرافیای متنوع مذهبی و دینی، یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های جغرافیای استراتژیک آن عصر را در دست گرفته و با توجه به تأثیر دولت اسلامی در جهاد با صلیبیان، این دولت نوپا توانست با سیاستی دینی متأثر از همه این عوامل حکومتی تازه و منسجم تأسیس کند که آرام‌آرام جای نظام‌های پیشین بنشیند. پس از مرگ صلاح‌الدین در سال (۵۹۰ ه.ق/۱۱۹۳ م) تاریخ ایوبیان چیزی جز یک داستان سرشار از نیرنگ و جنگ میان افراد خاندان ایوبی نیست؛ گرچه آن‌ها در همین دوره نیز توانستند در برابر حملات بعدی صلیبی‌ها که به‌طور ویژه مصر را هدف قرار داده بودند ایستادگی کنند (طوقوش، ۱۳۸۰: ۱۹۶). ملک‌عادل برادر کاردان و با تدبیر صلاح‌الدین با تثبیت کردن اوضاع و تفوق بر فرزندان صلاح‌الدین و با همراه کردن امیران کرد توانست یکپارچگی دولت و متصرفات ایوبیان به‌ویژه شام و مصر را حفظ کرده، با کسب منشور حکومت از خلیفه ناصرالدین‌الله عباسی سلطنت خود را مشروعیت دینی بخشیده و سپس به تنظیم امور دولت بپردازد (همان: ۲۰۸). موفقیت عادل در بازگرداندن یکپارچگی به دولت ایوبی، صلیبی‌ها را در شرق و غرب نگران کرد و آن‌ها را بر آن داشت که برای وارد آوردن ضربه سهمگین و سریع به جهان اسلام در مشرق‌زمین نقشه‌ای طراحی کنند پیش از اینکه ملک‌عادل بتواند امارت‌های صلیبی را در شام تحت اختیار خود درآورد و صلیبی‌های منطقه را از بین ببرد، این ضربه را به او وارد کنند.

درواقع ضمیمه کردن یمن در همان چارچوب سیاست توسعه‌طلبی صلاح‌الدین در شمال آفریقا بود که به علت اهداف سیاسی خاصی آن را آغاز کرده بود. شاید مهم‌ترین آن اهداف چنین بوده است: ۱- تحت فشار قراردادن یاوران فاطمیان، به‌ویژه والی یمن «عبدالنبی بن مهدی» که علوی وابسته به خلیفه فاطمی مصر بود (همان: ۳۳).

۲- صلاح‌الدین می‌خواست به مرزهای جنوبی مصر امنیت ببخشد و با ضمیمه کردن یمن که کلید و راه ورود به دریای سرخ ناحیه جنوب به حساب می‌آمد، بر سرزمین‌های جنوب، سیطره نظامی و تجاری پیدا کند و احتمال نزدیکی صلیبی‌ها را که به تسلط کامل بر دریای مدیترانه چشم دوخته بودند و حبشیان مسیحی را منتفی کند تا خود در محاصره گازانبری صلیبی‌های مستقر در سواحل مدیترانه در شمال و حبشی‌های ساحل دریای سرخ در جنوب قرار نگیرد؛ ۳- در آن روزگار یمن درگیر گرایش‌های سیاسی و دینی و مذهبی بود، خصوصاً میان دو شهر زبید و صنعاء، بی‌ثباتی برقرار بود، به‌طوری‌که عبدالنبی بن مهدی ادعای مهدویت کرد، بر یمن غالب شد، نام عباسیان را از خطبه انداخت و به نام خود خطبه خواند، خود را «امام» نامید، بر قبر پدرش گنبد بزرگی ساخت، اهل یمن را واداشت مناسک حج را در اطراف آن به جای آورند و آن‌ها را از گزاردن حج در مکه بازداشت؛ ۴- صلاح‌الدین می‌خواست حدود مرزی

برای این تجاوزات و ناهنجاری‌ها که وحدت مسلمانان را تهدید می‌کرد، قرار دهد. به‌ویژه پس‌ازآنکه اهل یمن برای نجاتشان از او کمک خواستند.



تصویر ۱: دولت ایوبی در قرن هفتم هجری، (مأخذ: اطلس تاریخ اسلامی: ۱۹).

به‌هرحال، صلاح‌الدین برادر بزرگ‌ترش، توران‌شاه را به یمن فرستاد تا آنجا را به حوزهٔ خلافت عباسیان ملحق کند. در آن زمان عمارهٔ یمنی بر ضد حکومت صلاح‌الدین نقشه می‌کشید. این مسئله توران‌شاه را در پاسخ دادن به درخواست برادرش تشویق کرد و او بر رفتن به یمن ترغیب شد و از مصر دور گشت. (طَّقُوش: ۳۴). توران‌شاه از راه مکه به سوی یمن رفت و در شوال ۵۶۹ق/ می ۱۱۷۴م به زیبد رسید و آنجا را تصرف کرد، عبدالنبی بن مهدی را کشت و گنبدی را که او بر قبر پدرش بنا نهاده بود، ویران کرد. خطبه به نام عباسیان خواند و عدن، صنعاء، تعز و دیگر مناطق یمن را تصرف کرد. نایبان قلعه‌ها نیز بدون جنگ و درگیری کلیدها را برای او فرستادند. پس‌ازآنکه توران‌شاه امنیت را برقرار کرد، ادارهٔ امور آنجا را تنظیم و جانشینانی برای ادارهٔ امور استان‌ها و ایالت‌های مختلف تعیین کرد و خود در سال ۵۷۱ ق/ ۱۱۷۵م به شام بازگشت (همان: ۳۴-۳۵).

۳. جغرافیای مذهبی ایوبیان

در بررسی وضعیت جغرافیایی مذهبی مصر در دورهٔ ایوبیان براساس منابع موجود، نمی‌توان به‌طور یقین به گسترهٔ جغرافیایی مذاهب در مصر دست یافت؛ اما با توضیحات ارائه‌شده در برخی از کتب تاریخی و جغرافیایی می‌توان تا حدودی مشخص کرد که کدام شهرها دارای چه مذاهبی بوده‌اند و گسترهٔ حضور اقلیت‌های دینی یا اهل ذمه چه مناطقی بود. آغاز تشیع در مصر، به زمان امام علی (علیه‌السلام) برمی‌گردد؛ زیرا مردم مصر، از آغاز خواهان خلافت و امامت ایشان بودند؛ بنابراین، هنگامی که امام علی (علیه‌السلام) به خلافت رسید، به‌گرمی از ایشان استقبال کردند؛ اما پس از مدتی، با به‌دست‌آوردن حکومت از سوی معاویه و دیگر حکمرانان بنی‌امیه و بنی‌عباس، حضور تشیع در آنجا با مشکل مواجه شد؛ به‌طوری‌که محل استقرار علمای اهل تسنن خصوصاً شافعی‌مذهب شد. تا زمانی که حکومت مصر به

دست فاطمیان شیعی‌مذهب اسماعیلی افتاد، مذهب تشیع در این سرزمین روبه‌رشد گذاشت؛ اما پس از سقوط خلافت فاطمی (۵۶۷ ق) به‌وسیله صلاح‌الدین ایوبی، شیعه بار دیگر، با مشکلات جدی روبه‌رو گشت (رجبی، ۱۳۸۲: ۲۵-۳۸). حکومت فاطمیان ابتدا در مراکش کنونی تأسیس شد و پس از مدتی بر سراسر شمال آفریقا، مصر، شام و یمن غلبه یافته، نفوذ خود را تا حجاز گستراندند، بر بخش‌هایی از دریای مدیترانه حاکم شده و سیسیل را تصرف کردند. دوران طولانی حکومت فاطمیان به ترویج و تقویت مذهب تشیع در شمال آفریقا به‌خصوص در کشور مصر انجامید. به‌طور کلی از گزارش‌های تاریخی می‌توان نتیجه گرفت که مردم مصر در دوره حکومت فاطمیان شیعه بوده و به مذهب و شعائر دینی خود نیز پای‌بند بوده‌اند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۴ ق: ۸/۳۱).

در اواخر حکومت فاطمیان در نتیجه دسیسه‌ها و منازعات وزرا برای دستیابی به حکومت و تحت سلطه درآوردن خلیفه فاطمی، اوضاع کشور روبه‌روز آشفته‌تر شد و همین عوامل فرصت مناسبی را برای مذاهب اهل سنت ایجاد کرد تا پس از سال‌ها تحمل انواع فشار، اندک نیرویی به دست آوردند. مذاهبی که پس از آن همه سرکوبی، همچنان در دل توده مردم و اکثریت جامعه مصری، از احترام برخوردار بود و علیرغم آن‌همه تلاشی که از سوی دولت فاطمی در جهت از بین بردن مبانی این مذاهب به عمل آمده بود، هنوز مردم دل‌بستگی خود را به آن از دست نداده بودند (غنیمه، ۱۳۹۵: ۱۳۷). با سقوط فاطمیان و روی کار آمدن ایوبیان تقریباً تشیع به‌یک‌باره از این سرزمین رخت بست، به‌طوری‌که با تعصب شدید صلاح‌الدین ایوبی و تبلیغ مذهب شافعی، کمک شایانی به تغییر مذهب در این سرزمین شد (ناصری، ۱۳۹۰: ۹۹). شاید به همین دلیل بود که وقتی صلاح‌الدین در سال ۵۶۷ هجری خطبه به نام العاضد، آخرین خلیفه فاطمی را قطع کرد و به نام خلیفه عباسی خطبه خواند، هیچ مقاومتی از سوی آن‌ها انجام نگرفت. با روی کار آمدن ایوبیان، نخستین اقدام آن‌ها منسوخ کردن مذهب شیعه فاطمی در مصر بود. صلاح‌الدین مذهب تسنن را مذهب رسمی در مصر قرار داد و در میان مذاهب اهل سنت، مذهب شافعی را بر دیگر مذاهب مقدم داشت (ابن‌ایاس، ۱۴۰۲: ۲۴۳). بنابر تصویرپردازی تاریخی عالمان سنی مصری و شامی، صلاح‌الدین بر عقیده سنت (اشعری) بود و از آن حمایت می‌کرد و حتی می‌کوشید به فرزندان خود، عقیده‌ای را تعلیم دهد که قطب‌الدین نیشابوری (د ۵۷۸ ق / ۱۱۸۲ م) برای او تنظیم کرده بود (ابن‌خلکان، ۱۹۷۷، ۳/۲۰۶). صلاح‌الدین خود به تحکیم مذهب شافعی می‌اندیشید. مذهب شافعی در عصر او حائز مقام نخست در مصر (به‌جز اسکندریه که بیشتر اهالی آن مالکی مذهب بودند) و مرتبه دوم در شام (پس از مذهب حنفی که موردعنایت نورالدین بود) بود. صلاح‌الدین با شماری از عالمان و فقیهان، خاصه شافعیان ارتباط داشت و آنان را عهده‌دار مقام قضا می‌کرد (ابوشامه، ۱۴۱۷: ۴۰۷/۱). به گفته کاستون، پیروی صلاح‌الدین از مذهب اهل سنت باعث ایجاد مؤسسه دینی جدیدی به نام مدرسه شد. غالباً مدارس ایوبی به سه مذهب حنفی، شافعی و مالکی اختصاص داشت که در هر یک از آن‌ها فقه مخصوص همان مذهب را تدریس می‌کردند (شان‌دور، ۱۳۸۷: ۱۱۷). خاندان ایوبی از هر چهار فرقه اهل سنت حمایت می‌کرد؛ ولی بیشتر توجه حکمرانان ایوبی به مذهب شافعی و مالکی بود؛ زیرا در وهله اول، مذهب خود آن‌ها شافعی بود، در ثانی پیروان مذهب شافعی و مالکی از دو فرقه دیگر در مصر و شام بیشتر بود (ابوزید، ۱۹۴۸: ۶۷).

مردم مصر و شام در عصر ایوبیان بیشتر دارای مذهب شافعی و مالکی بودند و امرای ایوبی مدارس زیادی برای این دو مذهب در شهرهای مصر و شام ایجاد کردند؛ ولی پیروان مذهب حنفی بسیار کم بودند (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲، ۱/۶). در کتب تاریخی آورده شده که از اواخر حکومت فاطمیان نهضت ساختن مدرسه توسط اهل تسنن شروع شد. این مدارس مانند مدرسه ابوبکر طرطوشی و مدرسه رضوان ولخشی در شهر اسکندریه که مرکز اصلی اهل سنت به حساب می‌آمد، ساخته شدند (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۸۴/۳؛ ذهبی: ۱۴۲۷، ۱۴/۳۵۳)

حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دولت ایوبی از علمای اهل سنت باعث شد تا آنان به قاهره و اسکندریه نقل مکان کنند و تفکر اشعری و شافعی را در مصر رواج دهند به گونه‌ای که پس از مدت کمی مذهب غالب مردم مصر به‌ویژه اسکندریه به اهل سنت تغییر یافت (سیوطی، ۱۴۱۸، ۱/۴۰۷). بنابر گزارش مقریزی و ذهبی شهر اسکندریه مرکز اهل تسنن بوده به گونه‌ای که در آن تفکر اشعری و شافعی غالب بر دیگر مذاهب بوده است (سیوطی، ۱۳۸۷: ۱/۴۰۷؛ مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۸۴/۳؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۴/۳۵۳). در ادامه صلاح‌الدین ایوبی بازماندگان و طرفداران فاطمی را قتل عام کرد و مفتیان اسماعیلی را از دم تیغ گذرانید تا جایی که بسیاری از اسماعیلیان به منطق «صعید» مصر گریختند (ابن خلدون، ۱۳۵۲: ۳۳۴/۵-۳۳۷). منطقه «صعید» سرزمین وسیعی در طرفین رود نیل در جنوب مصر است که شهرهای مهمی از قبیل أسوان، قوص، قفط، اِحمیم و بَهَنَسَا (از جنوب به شمال) در آن قرار دارد (حموی، ۱۴۲۶، ۳/۴۰۸). یکی دیگر از شهرهای شیعه‌نشین مصر، اَلَسَنَاسْت. این شهر در منطقه صعید مصر قرار دارد و یکی از شهرهای شیعه‌نشین و محلی امن برای شیعیان بوده است. صلاح‌الدین ایوبی با فرستادن قاضی بهاء‌الدین، عالم سنی مذهب، توانست عده زیادی را همراه خود کند. در کتاب شیعه در مصر آمده که شهرهای جنوب مصر شامل أسوان، آسنا، اُدْفُوا، اَرْمَنْت و قِفْط تا دوره‌ای متأخر از شهرهای شیعه‌نشین بوده است (وردانی، ۱۳۸۲: ۷۴). همچنین در دو منطقه شیعه‌نشین صعید و أسوا، به رهبری کنزالدوله علیه صلاح‌الدین ایوبی قیامی شکل گرفت که توسط برادرش عادل سرکوب شد (ابن شداد، ۱۹۵۳: ۸۹/۱-۹۰).

آدفوی، ادیب مصری در کتاب خود، الطالع‌السعید آورده در شهرهای صعید تشیع انتشار و گسترش داشته؛ اما در زمان وی (۶۸۵-۷۴۸ ق) تشیع در آنجا دچار افول شده یا به‌طور کامل از بین رفته است. از جمله دربارهٔ أسوان نوشته است که در دوره خلفای فاطمی مصر، تشیع بر اهل این شهر غلبه یافت و البته پیش از آن نیز وجود داشته؛ اما امروز کم شده و از بین رفته است (الادفوی، ۱۶۹۹: ۳۴). وی دربارهٔ زادگاه خود، اُدْفُو نیز نوشته است که تشیع در آن گسترش داشت و اهل این شهر از دو طایفه اسماعیلیه و امامیه بوده‌اند. سپس تشیع آن‌چنان در این شهر ضعیف شد که جز اشخاص کمی بر آن باقی نماندند: «تشیع در آن گسترده بود و مردم آن دو فرقه اسماعیلیان و امامیه بودند. پس از آن تشیع ضعیف شد به‌حدی که تعداد اندکی از تشیع سخن می‌گویند». او دربارهٔ آسنا نوشته است: «در آسنا تشیع گسترده بود و همچنین خلاف آن تا زمانی رسید که تشیع در این شهر کاملاً از بین رفت» دربارهٔ اُسْفُون نیز نوشته است: «اُسْفُون شهری با تشیع متعصب شناخته شده است؛ ولیکن تشیع در آن شهر نیز کم‌کم از بین رفت» (همان: ۳۷-۳۹) و نیز دربارهٔ «ارمنت» نوشته است: «تشیع در شهر ارمنت گسترده بود

اما در این شهر نیز از بین رفت». وی در ادامه با آوردن برخی شواهد، نشان می‌دهد که شهر آسنا اشتهاار ویژه‌ای به تشیع داشته است (همان: ۴۱-۱۷۰). بیشتر ساکنان رها که در کنار مناطق مرزی جزیره واقع بودند، دین نصرانی داشتند (بارتولد، ۱۳۵۷: ۶۵). همچنین در پی جنگ‌های صلیبی به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و سکونت بسیاری از ارامنه و غیرمسلمانان در رها، زمینه تسلط صلیبی‌ها به وجود آمد (پورگشتال، ۱۳۸۷: ۲۱۴/۱).

در ادامه باید خاطر نشان کرد که سلطان ایوبی در جهت پیشبرد اهداف مذهبی‌اش، به عقیده اشعریان تمسک جست و عموم مردم مصر، شام، حجاز، یمن و مغرب را وادار به پذیرش کلام اشعری کرد (مقریزی، ۱۳۸۷: ۱۹۲/۴). وی همچنین با اعزام عالمان سنی‌مذهب به مناطق شیعی به مقابله با شیعیان پرداخت. آنان به شهرها و مراکز شیعه‌نشین می‌رفتند تا علیه معتقدات شیعیان تبلیغ کنند، درحالی‌که عالمان شیعی توان مقابله و ابراز وجود نداشتند؛ برای نمونه می‌توان به حضور قاضی بهاء‌الدین در شهر آسنا اشاره کرد که از شهرهای شیعه‌نشین و کانونی منسجم برای شیعیان بود. اقدامات و سیاست‌های صلاح‌الدین و ایوبیان در تعامل با شیعیان که انتقام از فاطمیان را به همه شیعیان تعمیم دادند و در این مسیر راه افراط را طی کردند، سبب شد شیعیان به سیاست پنهان‌کاری و تقیه روی آورند و گاه در دیگر فرق و صوفیان هضم شدند. در مواردی نیز به اجبار به مناطق دیگری که امنیت بیشتری داشت، رفتند تا بتوانند بر مذهب خود باقی بمانند و به حیات خویش ادامه دهند؛ مناطقی مثل جنوب مصر، مناطقی از شام و غیره (وردانی، ۱۳۸۷: ۷۶).

اهل ذمه در دوره دوم فاطمی و عصر ایوبی به‌عنوان یک طبقه اجتماعی خاص در روستاها و شهرهای مصر زندگی می‌کردند؛ بلکه در برخی از روستاها و شهرهای مصر اغلب ساکنان آن اهل ذمه به‌ویژه قبطی‌ها بودند. ابن حوقل که در نیمه دوم قرن چهارم هجری و دهم میلادی می‌زیسته است، می‌گوید: بیشترین اهالی روستاها و سرزمین‌های خوش‌آب‌وهوای مصر از نصاری قبط و افرادی مرفه بودند که دارای کشتزارهای خرم و وسیعی بودند و اموال و ذخایر بسیاری داشتند. المقدسی (ت ۳۵۸/ه ۹۹۷ م) که در نیمه چهارم قرن چهارم هجری از مصر دیدن کرده بود، می‌گوید: «عموم اهل ذمه آن نصرانی بودند که به آن قبط می‌گفتند و یهودیان اندک بودند» (شافعی سلام، ۱۹۱۷: ۱۹۶). جای شگفتی نیست که اکثر ساکنان منطقه الصعيد مصر تا قرن هفدهم هجری و نوزدهم میلادی نصرانی بودند. در این منطقه قریب به هزار صومعه و کلیسا وجود داشت. همچنین نصرانی‌ها در شهرهای صنعتی و تجاری مصر بیشترین ساکنان آن را تشکیل می‌دادند. در شهر آسیوط که بیشتر نصرانی‌ها در آنجا بودند، نزدیک به هفتادوپنج کلیسا وجود داشت و کسی از یهودیان در آنجا زندگی نمی‌کرد مگر اینکه به‌عنوان عابر از آنجا می‌گذشت. همچنین در شهرهای بزرگ مصر همچون فسطاط، قاهره و اسکندریه بیشترین ساکنان آن نصرانی بودند.

خلاصه کلام اینکه نصرانی‌ها در مصر به‌خصوص اقباط آن‌ها در مناطق سرسبز و کشتزارهای خرم مصر در روستاها و شهرهای آن پراکنده شدند و در کنار مسلمانان زندگی کردند. گویا اصالتاً از آن روستاها و شهرها بودند؛ اما با توجه به اسناد جنیزه مشخص می‌شود که یهودیان در مصر در مراکز و شهرهای اصلی و روستاهای خوش‌آب‌وهوا به‌خصوص در مناطق ساحلی زندگی می‌کردند. در اواخر عصر فاطمی، بنیامین التطیلس که از مصر دیدن کرده بود، تعداد تقریبی

ساکنان یهودی در مصر را بیان کرده است که به چندین هزار می‌رسد. در منطقه بلبیس سه هزار، در اسکندریه سه هزار، در حلوان سیصد هزار و... هر چند که ما معتقد هستیم تعداد یهودیان در ابتدای عصر ایوبی بیشتر شد؛ دورانی که مصر ملجاء و پناهگاه یهودیانی بود که برای فرار از ظلم و ستم و رسیدن به آزادی و عدالتی که یهودیان و دیگر اهل ذمه مصر از آن بهره‌مند بودند، از مغرب، اندلس، یمن و فلسطین به آنجا می‌آمدند. یهودیان در برخی از شهرهای بزرگ، محله‌های مخصوص به خود را داشتند. ابوصالح ارمنی آورده است که یهود در کنار کلیسای دموه در الجیزه منزل داشت و آن بزرگ‌ترین معبد یهود در سرزمین مصر به شمار می‌رفت. اواخر عهد فاطمی، مسیحیان نیز جامعه‌ای بسیار بزرگ بودند. براساس پژوهش‌های لاپیدوس و گزارش‌های مقدسی، می‌توان گفت که تا سده چهارم، بیشتر ساکنان مصر مسیحی بودند (مقدسی، ۱۹۹۱: ۱۹۳) ابوصالح ارمنی نام ده‌ها شهر و روستای دارای کلیسا و صومعه را ذکر می‌کند (وردانی، ۱۳۸۲: ۳۴۷-۳۵۲).

از مهم‌ترین عواملی که در بهبود شرایط مسیحیان ایفای نقش کرد، به‌کارگیری وسیع آن‌ها در دولت فاطمی بود. البته مسیحیان در صنعت و تجارت فعال بودند و در قیاس با یهودیان، در کشاورزی نیز پرکارتر بودند. این امر ناشی از شمار زیاد و سابقه تاریخی حضور آنان در مصر بود. آن‌ها بهتر از دیگران، نیل را می‌شناختند و روستاهایشان در حواشی و سواحل آن، پررونق و متعدد بود (مصطفی‌عمر، ۲۰۰۰: ۷۴/۲ - ۹۱).

یهودیان بعد از قیام فاطمیان به مصر مهاجرت کرده و در تجارت وارد شدند. در این دوره، مرکز سیاسی یهودیان از تونس به مصر منتقل شد. آنان در این دوران، در آرامش زندگی کرده، از یهودیان عراق مستقل گردیدند و برای خود، رهبری مستقل در مصر داشتند. بعضی از یهودیان تازه‌مسلمان مثل ابن کلس که نقشی اساسی در حکومت فاطمی داشتند، از بسیاری از دیوان‌های حکومتی، اخراج و وارد تجارب شدند. در زمان صلاح‌الدین (۵۸۹-۵۶۴ ه) تعداد زیادی از یهودیان در قاهره ساکن شده و اموال و خانه‌هایی را تصاحب کردند (مقریزی، ۱۹۹۷: ۱۵۰/۱). او سیاست تسامح با یهودیان را مدنظر داشت. آن‌ها به‌غیر از قاهره، در شهرهایی مثل (دمياط، قوس و حتی ریف مصر) زندگی می‌کردند و علاوه بر تجارت در کارهای مالی و بانکی هم فعال بودند (عبده قاسم، ۱۹۷۹: ۷۱/۲). یهودیان در این دوره، ریاست مستقلی داشتند و به‌نوعی ادامه‌دهنده راه فاطمیان در تجارت بودند (همان: ۵۷۶). پزشکان یهودی مثل ابوالبلیان المدور و ابی جمیع، در دستگاه حکومتی صلاح‌الدین بوده و همواره از او، هدایا و صلّه‌هایی دریافت می‌کردند (ابن ابی‌اصیبعه، ۱۹۶۵: ۵۸۸-۵۸۹).

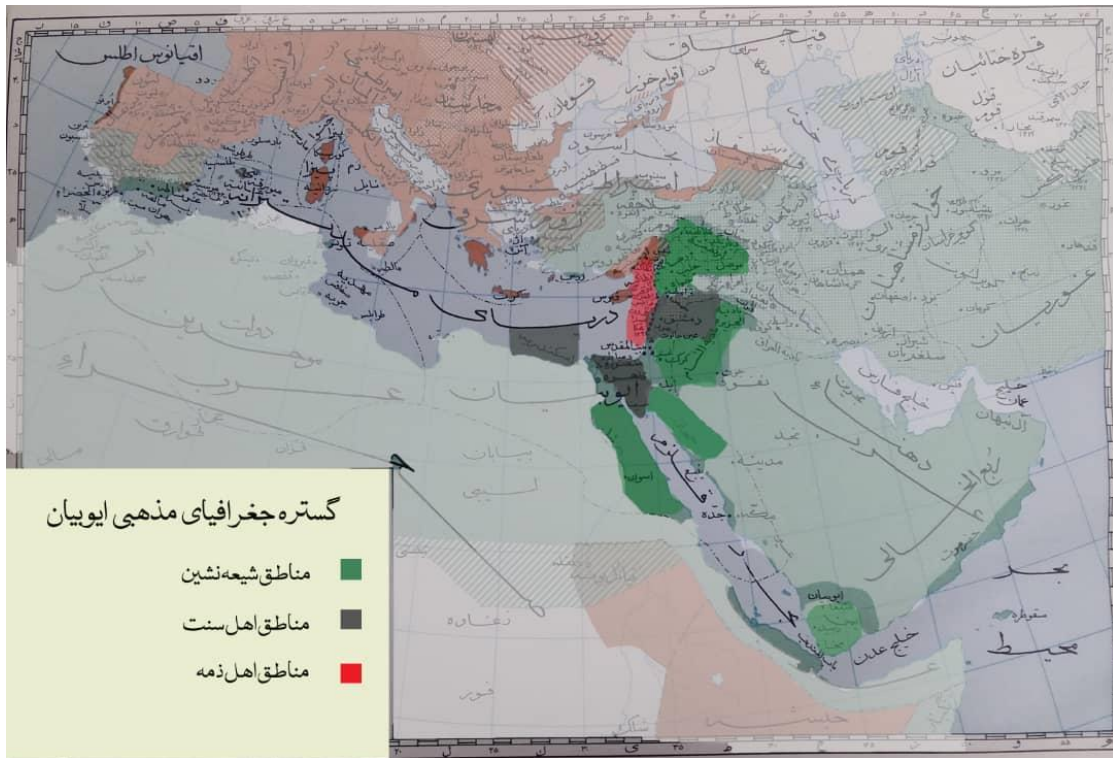
یهودیان در این زمان، دو کنیسه فعال عراقی و شامی در قصر الشمع فسطاط داشتند که پیروان خود را دور هم گردآورده بود (همان). مقریزی معتقد است که قوم یهود در زمان او در این کنیسه حج‌شان را در عید الاسایع - معروف به عید عنصره و عید خطاب - انجام می‌دادند (مقریزی، ۱۹۵۷: ۳۷۸/۴). سامریان طایفه‌ای از یهودیان بودند که در زمان صلاح‌الدین و حکومت ایوبیان دارای نفوذ فراوانی بودند و علاوه بر مصر در شام هم نفوذ داشتند (خالده: ۱۰۷). در یمن دعوت اسماعیلی سابقه‌ای طولانی مدت داشت؛ اما سلطه سیاسی فاطمیان بر این سرزمین تا نیمه قرن پنجم که علی بن محمد صلّیحی حکومتی در آن تشکیل داد و به نام خلیفه فاطمی خطبه خواند، به تأخیر افتاد. علی بن محمد که از داعیان فاطمی بود، در سال ۴۳۹ در مناطق کوهستانی یمن شورش کرد و با برتری بر حکومت‌های محلی یمن، در سال ۴۵۵ یمن را به‌طور کامل تصرف کرد (ابن‌الاثیر، ۱۳۸۵ ق: ۶۱۵، مقریزی، ۱۴۱۶: ۲۶۲-۲۲۲). حکومت

صلیبیان تا سال ۵۳۲ حدود یک قرن در یمن ادامه یافت. صلیبیان در این مدت ارتباط بسیار دوستانه‌ای با فاطمیان مصر داشته و مورد حمایت فاطمیان بودند (جان احمدی، ۱۳۹۴: ۴۴-۳۸۹).

انتقال حکومت مصر از خاندان فاطمی به ایوبیان به معنی برگشت مصر به سرزمین‌های زوال حکومت اسماعیلی در یمن بود. به همین دلیل صلاح‌الدین کوشید تا بر یمن و تقویت سلطه ایوبیان در آن دست یابد؛ از این رو در سال ۵۶۹ هجری برادرش، شمس‌الدوله توران‌شاه را به یمن فرستاد. حکمران یمن عبدالنبی بن حموی بود که خواندن خطبه به نام عباسیان را قطع کرده بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۳۸/۷).

احیاء تشیع در حلب به وسیله خاندان ابن زهره (۵۸۵ ق) و آثار مهاجرت ابن شهر آشوب (۴۸۹-۵۸۸ ه.ق) به این شهر از مهم‌ترین دستاوردهای تاریخ تشیع بود. حلب هسته مرکزی مهاجرت شیعه به شامات شد، فعالیت‌های شیعی در آن متمرکز شد و سرانجام در پایان قرن هفتم حلب مرکز تشیع امامیه در منطقه شامات گردید. بزرگان تشیع حلب از رقابت زنگیان، ایوبیان و تهدیدهای نیروهای صلیبی استفاده کردند. به این ترتیب شیعیان حلب که مدت‌ها تحت ستم بودند، پس از گذاشتن پنج شرط پس از سال‌ها فشار و اذیت به یک پیروزی بزرگ رسیدند و رسوم شیعی امامیه را در این شهر دوباره زنده کردند (رجبی، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۸). در همین قرن، سهروردی که یکی از اقطاب تصوف و تشیع بود و جریان دینی و فرهنگی عصر خود را تحت نفوذ قرار داده بود، به تحریک جریان‌های وارده از سوی اهل تسنن به دستور صلاح‌الدین ایوبی در حلب کشته شد. قتل وی قسمتی از جریان مهار معرفی شیعه به دست سلجوقیان بود که از ایران آغاز شد و در حلب به دست زنگیان، ایوبیان و ممالیک دنبال شد اما با این‌همه در ادامه صلاح‌الدین ایوبی مدارس و مؤسسات آموزشی شیعه در حلب را تعطیل و برای حمایت از اهل تسنن، با نام راه‌اندازی مدارس جدید، علمای سرسپرده خود را جایگزین اساتید امامیه کرد (ابوشامه، ۱۴۱۷: ۶۱ / ۱).

ابن شداد دبیر، مورخ و سیره‌نگار ویژه صلاح‌الدین در کتاب خود، *الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره می‌نویسد:* با توجه به گرایش بیشتر تشیع در حلب شام، مدارس زیادی برای اهل سنت ساخته شد، به خصوص از علمای شافعی مذهب برای تدریس در این مدارس دعوت به عمل آمد. از جمله این مدارس می‌توان به مدرسه حلاویین، عسرونیه اشاره کرد (ابن‌شداد، ۱۹۵۳، ۱ / ۱۱۱-۱۱۰). با وجود اینکه مصر زودتر از شام با مدارس اهل سنت آشنا شد؛ اما به دلیل تعداد زیاد مدارس، استادان و شاگردان اهل سنت در حلب، این شهر شیعی به تدریج گرایش‌های خود را از دست داد و به مذهب اهل سنت گروید (همان، ۱۳۰ / ۱، ۱۰۷).



تصویر ۲- مناطق تفکیک شده از نگارنده

۴. سیاست‌های هنری ایوبیان

با اجرای سیاست‌های تعلیماتی و تربیتی ایوبیان، مساجد و مدارس زیادی در مصر و سوریه ساخته شد. این رویداد به سبب حمایت بیشتر حکومت از معماری دینی بود. حاکمان ایوبی آرامگاه‌های خود را در کنار مساجد و مدارس می‌ساختند تا هم نامی از خود بر جای بگذارند و هم عموم مردم از آن‌ها استفاده کنند. در این زمان، به سبب خلاء قدرتی که از ضعف خلافت عباسی و فاطمیان ایجاد شده بود، صلیبیان بسیار آسان توانستند در برخی مناطق ولایت‌های مستقلی بنا کنند. با روی کار آمدن ایوبیان، مسلمانان موفق شدند صلیبیان را طی جنگ‌های متمادی عقب برانند؛ از این رو، حاکمیت ایوبیان در مصر و سوریه به ساخت و ساز بناهای نظامی اشتهار داشت. از جمله این بناها می‌توان به قلعه‌ها، دژها و اردوگاه‌ها اشاره کرد. شخصیت بزرگ صلاح‌الدین، نه تنها به لحاظ جنگی؛ بلکه از نظر فرهنگی نیز مؤثر بود. او با برگرداندن مجدد مصر به مذهب سنی روابط مستحکمی با همسایگان مصر ایجاد کرد. ایوبیان راه‌های جدیدی نیز به دنیای هنر گشودند، ولی از آنجاکه حکومت آن‌ها بسیار کوتاه بود، آثار چندانی از آن‌ها باقی نمانده است. هنر این دوره را می‌توان رابطی بین سبک سلجوقی و مملوکی دانست. با روی کار آمدن ایوبیان در نیمه سده ششم هجری، سرنوشت سوریه و مصر در یکدیگر تنید و هنر و صنعت این دو کشور به جاده ترقی و کمال افتاد. با حمایت و تشویق ایوبیان و بیشتر نیز به رهبری و تشویق مملوکیان (۶۲۸-۸۹۵ ق/ ۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)، هنرهای این سرزمین‌ها به گونه‌ای چشمگیر رونق یافت. در قاهره، پایتخت مصر، زیباترین بناها ساخته شد و صنایع کوچک به میزان بسیار زیاد در سوریه تولید شد (شایسته فر، ۱۳۹۱: ۵۳-۷۰).

حکومت ایوبیان در شرق دریای مدیترانه، با دوران حکومت عباسیان در دنیای اسلام و جنگ‌های صلیبی در عالم مسیحیت هم‌زمان بود؛ اما دستاوردهای فرهنگی و هنری خصوصاً نگارگری در دوران ایشان یکی از نخستین و شاخص‌ترین آثار را در زمینه تصویرسازی اسلامی رقم زد. صلاح‌الدین ایوبی همچنین خانقاه‌هایی برای صوفیه ساخت و از گسترش فرهنگ تصوف در زمان خود حمایت می‌کرد. در این دوران نگارگری هنری جنبی بود که در کنار هنر مصور کردن کتاب توسعه یافت که مبتنی بر طرح‌هایی بود که از نسخ خطی قدیمی گرفته می‌شد. در دوران ایوبیان، نظریه‌های عامه‌پسند طبیب یونانی، جالینوس دروغین، به‌خصوص اثری به نام کتاب *التریاق*، با نگاره‌هایی مصور شد که جزو نخستین نگاره‌ها و نقاشی‌های کتاب در تمدن اسلامی محسوب می‌شود.

در فاصله سده‌های پنجم و اوایل هفتم هجری، سرزمین‌های شرق مدیترانه دچار آشفتگی سیاسی شده بود که حملات صلیبیان نیز به این آشفتگی دامن می‌زد. با قدرت یافتن صلاح‌الدین ایوبی در نیمه دوم سده ششم اوضاع سیاسی تاحدی بهتر شد. دوره ایوبیان، نه تنها در زمینه کشورگشایی و دستاوردهای جنگی؛ بلکه از نظر فرهنگی نیز کارآمد بود. آنان راه‌های جدیدی به دنیای هنر گشودند؛ ولی حکومتشان بسیار کوتاه بود؛ از این رو، دوره ایوبیان بیشتر به لحاظ داشتن نقشی رابط بین سبک‌های سلجوقی و مملوکی اهمیت دارد. به علت ناهماهنگی هنر و سیاست در این دوره هیچ سبک واحدی برای نگارگری خلق نشد. از جمله نسخه‌های مصور باقی‌مانده از دوره ایوبیان نسخه‌ای از *کلیله و دمنه*، *مقامات حریری* و کتاب *مختارالحکم و محاسن الکلم* است (شایسته و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹).

نتیجه‌گیری

ایوبیان و در رأس آنان صلاح‌الدین، به دلایل سیاسی و مذهبی برای ریشه‌کن کردن تشیع در مصر تلاش‌های بسیاری کردند، خاصه اینکه چون حکومت فاطمی شیعه بود و صلاح‌الدین حکومت را از آنان گرفته بود، شیعیان را رقیب خود فرض می‌کرد و احتمال بسیار می‌داد که بر ضدش قیام کنند؛ از این رو به مبارزه با شیعیان برخاست. صلاح‌الدین که یک شافعی تمام‌عیار بود، تحمل اقلیت‌هایی مثل شیعه را نداشت و مبارزه با این اقلیت را به‌نوعی جزو وظایف دینی خود می‌دانست. او از کسانی بود که به موازات اصلاحات ساختاری، برای زدودن تفکر و آثار شیعی تلاش بسیار کرد و تاحدودی نیز به نتایج دلخواهش رسید. صلاح‌الدین علمای شیعه را به انزوا کشاند و مدارسشان را تخریب یا تبدیل به مدارس علمی سنی کرد. صلاح‌الدین و ایوبیان انتقام از فاطمیان را به همه شیعیان تعمیم دادند و در این مسیر راه افراط را طی کردند. همین امر سبب شد شیعیان مخفی‌کاری و تقیه را در پیش بگیرند، در دیگر گروه‌های مذهبی، نظیر صوفیان، هضم شوند یا به مناطقی چون جنوب مصر، شام، یمن، ایران و هند هجرت کنند. مصریان آن دوره و نسل‌های بعدشان، رفته‌رفته به یکی از مذاهب اربعه اهل سنت گرایش یافتند؛ هرچند محبت اهل بیت (ع) در میانشان باقی ماند. مذاهب اربعه اهل سنت در سرزمین مصر سیطره کامل یافت و به‌گونه‌ای حمایت و تبلیغ می‌شدند که گویا در اسلام مذهب دیگری وجود ندارد. شایان ذکر است که حاکمان ایوبی نهایت تشویق و حمایت خود را در زمینه معماری به کار بسته‌اند و بیشترین دل‌مشغولی آنان به ساخت مدارس دینی و مساجد بوده است. هدف از ساختن مدارس و مساجد چیزی جز اشاعه و گسترش مذهب سنی نبوده است. شاید به همین سبب نیز رهبران ایوبی از هنر نگارگری حمایت کمتری کرده‌اند؛ زیرا تصویرگری با آموزه‌های مذهبی در تعارض بوده است و به همین سبب از نسخه‌های مصور دوره ایوبیان تعداد بسیار اندکی باقی مانده است.

منابع

کتابها

- ابن ممتی، الاسعد شرف الدين. (۱۲۰۹). قوانين الدواوين، تحقيق عزيز سوريال عطيه، القاهرة: مطبعة مصر.
- ابوزيد شلبي، ابوزيد. (۱۹۴۳). معيد النعم مبيد النقم، قاهره: دارالكتاب العربي.
- ابن اثير، محمد بن عبدالكريم شيباني. (۱۹۵۶). الكامل في التاريخ، بيروت: دارالاحياء التراث العربي.
- ابن شداد، بهاء الدين. (۱۹۵۳). النوادر السلطانية، تحقيق جمال الدين، قاهره: مكتبة الخانجي.
- القلقشندي، شهاب الدين ابوالعباس احمد بن علي. (۱۹۸۳). صيحا الاعشى في صناعة الانشاء، قاهره: دارالكتب المصري.
- ابوشامه، عبدالرحمن. (۱۴۱۷ق). الروضتين في اخبار، الدولتين النورية الصلاحيه، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ابن ياس، محمد. (۱۴۰۲ق). بدايع الدهور في وقايح، الدهور، قاهره: الهيئه، المصريه العالميه للكتاب.
- ابن شداد، بهاء الدين. (۱۹۵۳م). النوادر السلطانيه و المحاسن اليوسفيه، تلخيص محمود درويش، دمشق: وزاره الثقافه.
- ابن واصل، جمال الدين محمد بن سالم. (۱۹۵۳م). مفرج الكروب في أخبار بني ايوب (تاريخ ايوبيان)، ترجمه پرويز اتابكي، تهران: انتشارات علمي و فرهنگي.
- ابن خلکان، احمد بن محمد. (۱۹۷۷م). وفيات الاعيان، تحقيق دكتور احسان عباسي، بيروت: دارالفكر.
- ابن ابى اصيبعه، احمد. (۱۹۶۵م). عيون الأنباء في طبقات الأطباء، مصحح: نزار رضا، بيروت: دارالكتاب هايه الحياء.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۵۲). ديوان المبتدا و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الاكبر، تحقيق خليل شهاده، بيروت: دارالفكر.
- ابن أثير، ابوالحسن علي بن ابى الكرم الشيباني. (۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۴ م)، الكامل في التاريخ، تحقيق مكتب التراث، چاپ چهارم، بيروت: المؤسسة التاريخ العربي.
- اتابكي، پرويز. (۱۳۸۳). تاريخ ايوبيان؛ جزء چهارم، ابن واصل م. ۶۹۷ ق. تهران: نشر علمي و فرهنگي.
- ابن تغرى بردى، يوسف بن عبدالله. (۱۳۹۲). النجوم الزاهره في ملوك مصر و القاهره، مصر: وزاره الثقافه و الارشاد القومى.
- الذهبي، شمس الدين محمد بن احمد. (۱۴۲۷). تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام، بيروت: دارالكتاب العربي.
- حموى، تقى الدين ابى بكر. (بى تا). ثمرات الأوراق، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: المكتبه المصريه.
- حاسون، چاك. (۱۴۲۶). تاريخ يهود النيل، مترجم: يوسف درويش، قاهره: دارالشرق.
- چلونگر، محمد علي. (۱۴۲۶ق). تاريخ فاطمیان و حمدانيان. تهران: سمت.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن. (۱۹۵۶م). حسان المحاضره في اخبار مصر و القاهره، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: مطبعة المجلس.
- سبكي، ابونصر عبدالوهاب. (۱۹۴۸م). طبقات الشافعيه الكبرى، تحقيق محمود محمد طنحاحى و عبدالفتاح محد الحو، بى جا: بى نا.
- سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر. (۱۴۱۸). حسن المحاضره في أخبار مصر و القاهره، تحقيق منصور خليل عمران، بيروت: دارالكتب العلميه.

شان‌درو، اکبر. (۱۳۷۵). صلاح‌الدین ایوبی، ترجمه محمد قاضی، تهران: انتشارات زرین.
 زکار، سهیل. (۱۹۸۱). التاريخ العباسی الاندلسی سیاسی و الحضاری، دمشق.
 علی طرخان، ابراهیم. (۱۹۸۶). النظم الاقطاعیه فی الشرق الاوسط فی العصور الوسطی، قاهره: دارالکتب العربی للطباعه و النشر.
 عاشور، سعید آ. (بی‌تا). نظم الحکم و الاداره فی عصر الايوبیین و الممالیک، بی‌جا: بی‌نا.
 عبده، قاسم. (۱۴۱۰). ماهیه الحروب الصلیبیه، کویت: المجلس الوطنی.
 غنیمه، عبدالرحیم. (۱۳۹۵). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلام، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 واکر، پل؛ کرمانی، حمیدالدین. (۱۳۷۹). تفکر اسماعیلیه در دوره الحاکم بامرالله، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
 مونس عوض، محمد. (۱۹۹۹). الحروب الصلیبیه در اسارت تاریخیه و تقدیه عمان، بیروت: دارالشرق.
 مصطفی عامر، فاطمه. (۲۰۰۰). تاریخ اهل الذمه فی مصر، الاسلامیه، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
 مقدسی. محمد. (۱۹۹۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، قاهره: مکتبه مدیولوی.
 مقریزی، ابوالعباس. (۱۹۹۷). السلوک لمعرفه دول الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 طقوش، محمدسهیل. (۱۳۸۰). دولت ایوبیان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، چاپ اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 سلام شافعی، محمود. (۱۹۱۷). اهل الذمه فی مصر فی العصر الفاطمی الثانی و العصر ایوبی، مصر: بی‌نا.
 مقریزی، احمد بن علی. (۱۳۸۷). اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق جمال‌الدین شیال، قاهره: المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه.
 مقریزی، ابوالعباس تقی‌الدین احمد بن علی. (۱۹۵۷). اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ناصری طاهری، عبدالله. (۱۳۹۰). فاطمیان در مصر، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 وردانی، صالح. (۱۳۸۲). شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی، ترجمه عبدالحسین بینش، قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی.

مقالات

ایوبی، مهدی. (۱۳۸۹). «تأملی در چگونگی تعامل صلاح‌الدین ایوبی با اسماعیلیان»، سخن تاریخ، شماره ۱۰.
 بادکوبه هزاوه، احمد؛ آبانگاه ازگمی، معصومه. (۱۳۹۴). «عملکرد دوگانه ایوبیان در مواجهه با شیعیان امامیه و اسماعیلیه و بازتاب آن در تاریخ نگاری مصر و شام»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۴۱.
 پیرمردیان، مصطفی؛ فریدونی نسب، محمد و زنگویی فرد، علی اصغر. (۱۳۹۰). «نقش صلاح‌الدین ایوبی در جنگ‌های صلیبی»، شماره ۶.
 حسن‌زاده اسماعیل. (۱۳۸۶). «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۶۵.
 شایسته‌فر، مهناز؛ خزایی، محمد و خزایی، رضوان. (۱۳۹۱). «بررسی ویژگی‌های تصویر و مضمونی نسخه‌های خطی مصور دوره ایوبیان»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگره، شماره ۲۳.

کریمزاده سورشجانی، روح‌الله؛ امیری، شهناز و حسین ایزدی، زهرا. (۱۳۹۶). «بازشناسی جریان‌های فکری اثرگذار در منطقه شامات در دوره ایوبیان تا پایان ممالیک»، تاریخ اسلام، شماره ۲.

نواب سید ابوالحسن. (۱۳۹۷). «چالش‌های سیاسی و مذهبی ایوبیان و تشیع با تأکید بر پیامدهای فکری و اجتماعی»، تاریخ اسلام، شماره ۱۴.